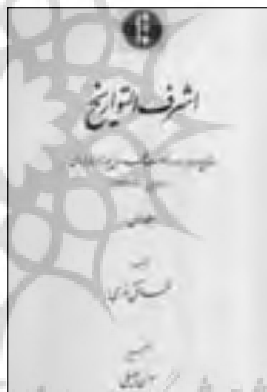


اشرف التواریخ

• مسعود عرفانیان



■ اشرف التواریخ: وقایع مربوط به دوره‌ی حکومت محمودولی میرزا

در خراسان (سال‌های ۱۲۱۸-۱۲۳۱) ج اول

■ تألیف محمد تقی نوری

■ تصحیح سوسن اصیلی

■ تهران ۱۳۸۶، ناشر: میراث مکتوب، ۵۵۶ صفحه

مقدمه

در روزگاری به سر می‌بریم که به دلایل بی‌شماری دیگر آن شور، عشق، علاقه، و دلبستگی در میان پژوهشگران کمتر دیده می‌شود که به قیمت چشم بستن بر روی آسایش و خوشی، بریدن از کانون مهر خانواده - البته نه به مفهوم عاطفی آن - و به بهای از دست دادن سو و نورچشمان و به جان خریدن عوارض ناشی از یک‌جا نشستن‌های طولانی‌مدت در پشت میز و دیگر ناراحتی‌ها، کسانی به کار سخت و توان‌فرسای تصحیح و مقابله‌ی چند نسخه خطی با یکدیگر پردازند.

مقایسه‌ای آماری میان آنچه که در این زمینه در روزگار ما منتشر می‌شود - البته منظور کارهای اصیل، روشمند و درخور توجه است - با آنچه که در گذشته منتشر می‌شد به خوبی نبود علاقه به این نوع از کارهای پژوهشی در روزگار ما را نشان می‌دهد. البته حساب کارهای غیر اصیل، مغلوط، مخدوش و آثاری که کتابسازی هستند، از این قاعده مستثناست، که نه تنها در حوزه‌ی مورد بحث، بلکه در دیگر حوزه‌های کار نشر سخت پرکارند و همانند یک کارخانه‌ی کتاب‌سازی، به هر قیمتی و تحت هر شرایطی مشغول تولید هستند. چیزی که سال‌هاست دامن بازار نشر کتاب در ایران را آلوده و گروهی سودجو را واداشته تا از این راه به موازات دیگر آسیب‌هایی که حوزه‌ی پژوهش و نشر را به طور جدی تهدید می‌کند، کمر به نابودی آن ببندند.

اما هنوز هم جای خوشحالی و شادمانی وجود دارد که گروهی از پژوهشگران جدی و دلسوز با همه‌ی ناملایمتی‌های روزگار، رنج‌هایی را که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره شد به جان می‌خرند و در کنج خانه و یا محل کار، ساعت‌ها در پشت میز کار، اوراق نسخه‌هایی را که گرد و غبار مرور زمان بر آن‌ها نشست، ورق می‌زنند گرد و خاک از روی آن می‌سازند و با عشق و علاقه‌ی عجیبی به ضبط و ثبت اختلاف نسخه‌ها می‌پردازند و برای حل مشکلی که به هر جایی مراجعه می‌کنند و به رایزنی با افراد آگاه می‌پردازند تا از این رهگذر بر بالندگی و غنای فرهنگ و تمدن میهن خود افزوده باشند. یک پژوهشگر هنگامی به کتابی مراجعه می‌کند که در آن با مطالب جدیدتر و کامل‌تری نسبت به موضوعی که تا پیش از آن آگاهی‌های محدودی پیرامون آن در دیگر منابع و مأخذ وجود داشته، روبرو می‌شود، به

ذکر جزئیات یکی از ویژگی‌های اشرف التواریخ است که اعتبار ویژه‌ای به کتاب می‌دهد چه وقتی به منابع و مآخذ معتبر دوره‌ی قاجاریه مانند ناسخ‌التواریخ مراجعه و در این زمینه با اشاره‌ی اندک و بسیار ناچیزی روبرو می‌شویم، اهمیت اشرف‌التواریخ در بازگویی این رویداد می‌تواند پژوهشگران را یاری رساند

اشرف التواریخ

فتحعلی شاه به ترتیب تولد آنان تهیه نموده و ضمیمه‌ی تاریخ عضدی به چاپ رسانده نیز به همین موضوع اشاره کرده است (تاریخ عضدی، ص ۳۵۹). پس محمدولی میرزا، سومین پسر فتحعلی شاه قاجار است. او در ۱۱ سالگی از سوی پدر به حکومت سمنان منصوب شد و سپس در سال ۱۲۱۸ به همراه فتحعلی شاه که برای سرکوب نادر میرزا افشار عازم خراسان بود به آنجا رفت و در همانجا به حکومت خراسان رسید و توانست نادر میرزا را دستگیر و روانه‌ی تهران سازد.

در دوران محمدولی میرزا در خراسان رویدادهای زیادی رخ داد. او مدت ۱۴ سال در آنجا حکومت کرد و سپس فتحعلی شاه به دلایلی او را عزل نمود. محمدولی میرزا پس از این مدت به تهران آمد و پس از ۴ سال که در دربار بود در سال ۱۲۳۶ ق. به حکومت یزد منصوب شد و تا سال ۱۲۴۳ ق. حاکم آنجا بود. در این سال او به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. محمدولی میرزا در سال ۱۲۸۱ ق در سن ۷۹ سالگی درگذشت. بامداد نوشته است که ناصرالدین شاه قاجار محمدولی میرزا را به جهت کنترل رفت و آمدهای مهدعلیا، مادرش در اندرون گذاشت تا کسی بدون اجازه‌ی محمدولی میرزا با مهدعلیا ملاقات نکند. (بامداد، ج ۴، ص ۳۲)

محمد ولی میرزا شاهزاده‌ای علم دوست و دانش‌پژوه بوده و شعر نیز می‌سروده است. تخلص او در شعر «والی» بوده است. در دانش و سواد او گفته شده که فتحعلی شاه گاهی شب‌ها او را می‌خواست تا برایش از تواریخ حکایت کند (عضدالدوله، ص ۵۵). همچنین به دیگر برادران خود نیز علم نجوم می‌آموخته است (همان، ص ۱۰۱).

معرفی کتاب

اشرف التواریخ، همانگونه که پیشتر اشاره شد، درباره‌ی وقایع دوران حکمرانی محمدولی میرزا در خراسان است میان سال‌های ۱۲۱۸-۱۲۳۱ ق.

کتاب با پیشگفتاری از مصحح کتاب آغاز می‌شود که در آن با مطالبی چون مروری مختصر و فشرده بر تاریخ قاجار، محمدولی میرزا، منابع دوران قاجار، ویژگی‌های خود کتاب اشرف التواریخ شامل ارزش و سبک نگارش آن، بینش و روش نویسنده و زندگانی او - که به جز از اشاراتی که در خود اثر به او شده، آگاهی‌های دیگری درباره‌ی او نیست - (ص ۳۱، پیشگفتار) و نسخه‌های موجود از اثر و... روبرو می‌شویم.

اهمیت بسیار زیاد پاره‌ای از این نسخه‌ها که در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های شخصی نگهداری می‌شود پی می‌برد. درست در همین جاست که نقش مصحح در انتخاب نسخه‌ی خطی برای تصحیح و اهمیت کار او آشکار می‌شود.

به ویژه نقش پاره‌ای از این نسخه‌ها که مربوط به دوره‌های گوناگونی از تاریخ ایران است در روشن شدن زوایای تاریک و مبهم تاریخ این مرز و بوم غیر قابل انکار است. از آن میان است، کتاب حاضر که تصحیحی است از نسخه‌ی خطی «اشرف التواریخ» که درباره‌ی دوران حکومت محمدولی میرزا در خراسان است، میان سال‌های ۱۲۱۸-۱۲۳۱ هـ ق - دوران قاجاریه - تألیف محمدتقی نوری، که دارای نکات ارزنده و درخور توجهی از رویدادهای تاریخی در آن سامان است که پاره‌ای از آن‌ها، اگر در دیگر منابع و مآخذ آن دوران بازتاب یافته، به دقت و جزئیاتی که نوری در کتاب خود ثبت نموده، نیست و این ارزش و امتیاز ویژه‌ای نسبت به دیگر آثار به اثر او می‌دهد. این می‌رساند علی‌رغم وجود منابع و مآخذ به ظاهر فراوان درباره‌ی این سلسله و به ظاهر نزدیکی دوران پادشاهی آن‌ها به ما کار پژوهش پیرامون دوره‌ی قاجاریه سهل و ممتنع است و نمی‌توان آن را آسان شمرد. هنوز کار پژوهش در این دوران به پایان نرسیده و زمینه‌های گوناگونی برای پژوهش در آن وجود دارد که تصحیح و چاپ نسخه‌های هم که به معرفی آن خواهیم پرداخت در همین راستا قرار می‌گیرد.

محمدولی میرزا

کتاب حاضر، همانگونه که از زیرتیری که بر روی جلد آن نقش بسته، پیداست، اثری است درباره‌ی دوره‌ی حکومت محمدولی میرزا در خراسان. محمدولی میرزا، اگرچه به نوشته‌ی سپهر (ص ۳۱۵)، و همچنین بامداد (ج ۴، ص ۲۶) چهارمین پسر فتحعلی شاه قاجار معرفی شده است، به جهت سال تولد به همراه سه پسر دیگر در سال ۱۲۰۳ ق متولد شده، اما از جهت ماه تولد که در اول شوال همان سال متولد شده و مصحح محترم اثر نیز به درستی به همین تاریخ اشاره کرده است (ص ۱۸، پیشگفتار)، نسبت به عباس میرزا که در ۴ ذی‌الحجه همان سال ۱۲۰۳ متولد شده است، تقدم دارد و از او بزرگ‌تر است. این نکته را اعتضادالسلطنه به درستی نوشته و بر سومین پسر فتحعلی شاه بودن محمدولی میرزا تأکید کرده است (ص ۱۸۹) و عبدالحسین نوایی در جدولی که بر اساس تاریخ سال و ماه تولد پسران

به نوشته مصحح محترم اثر، تا کنون ۴ نسخه از اشرف التواریخ شناخته شده که ایشان هر چهار نسخه را با مشخصات و محل نگهداری هر یک از آن‌ها نام برده است. از میان این ۴ نسخه، نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملک به شماره ۵۹۹۹ در ۴۹۵ برگ، اساس کار مصحح اثر قرار گرفته و او این نسخه را با سه نسخه‌ی دیگر مقایسه و اختلاف میان آن‌ها را زیر هر صفحه چاپی اثر نشان داده است.

کتاب با مقدمه‌ی مؤلف آغاز شده که دارای نثری است مسجع و، مطمئن و متکلف مرسوم میان نویسندگان و منشیان همان روزگار که گویا این شیوه‌ی دشوارنویسی - البته به گمان ما در این عصر - را نشانه‌ی سواد و دانش بسیار می‌دانستند.

این در حالی است که نویسنده درباره‌ی «به روانی سخن گفتن» و «به سادگی مطلب سرایی نمودن» و «به قلم عجمی محتد عبارات ناهموار عربی تراشیده» نوشته است:

«چون چنین است بحر به روانی سخن گفتن و دست از نقوش رنگارنگ برداشتن، چه بهتر! و به سادگی مطلب سرایی نمودن و از پی طرح‌های تازه رفتن که لامحاله طرح آن کج خواهد نشست و نقش رنگین اسلیمی را به اسلوب آوردن خطایی فاحش در کمین است، چه خوش تر به قلم عجمی محتد عبارات ناهموار عربی تراشیدن و به زبان فارسی گوی تمثیلات تازی مقشر کردن، خود را سبغ‌ی سنان لسان عیب جویان کردن و لطمه‌ی چوگان و دست فرسود تعرض و کنایه به حق و ناحق گویان و هرزه درایان نمودن است.» (ص ۱۲).

درباره‌ی نامیدن شدن کتاب به اشرف التواریخ هم نویسنده به صراحت نوشته: «... امید که این شاهد بی‌زیور عاریتی و این عروس خالی از آرایش خال و خطاط و عاری از وسمه و سفیدآب و سرخاب نسیگی که با همه یکرنگی از داستان‌های رنگین و وقایع شیرین رشک نگارخانه‌ی چین و غیرت کارنامه ارژنگ و تصویرات مانی سحرآفرین است، در نظر خورشید اثر شاهنشاه... جلوه‌ی قبول یابد... و زبان الهام ترجمان شهزاده‌ی هنرمند علی‌رغم حسن بیک مورخ تاریخ احسن التواریخ فتوحات شاه اسماعیل صفوی... این شگرف نامه‌ی سعادت عنوان را به اشرف التواریخ موسوم ساخت.» (ص ۱۲).

پس از آن مطالب کتاب با ذکر نسب اجداد قاجارها از روزگار صفویه و با تعریف و تمجید از اقدامات و خدمات آنان در آن عصر در مقابله با تعرضات ترکمن‌ها و ازبک‌ها در نواحی مرزی آغاز می‌شود و نویسنده درباره‌ی هر یک از سرکردگان و امرای قاجار مانند: شاهقلی بیک، فتحعلی خان قاجار، محمدحسن قاجار، ابوالفتح حسینقلی خان، آقا محمدخان قاجار و فتحعلی شاه قاجار مطالبی نوشته است مختصر و فشرده. در حقیقت این بخش از کتاب برآمدن سلسله‌ی قاجاریه است از روزگار چادرنشینی و زندگی ایلی آنان تا رسیدن به فرمانروایی ایران که نویسنده به اختصار و اشاره وار به آن‌ها پرداخته است.

آنگاه نویسنده به ذکر احوال خود شاهزاده - محمودولی میرزا - می‌پردازد و با اشاره به مادر او آن زن را بروجردی‌الاصل و مقیم اصفهان معرفی

می‌کند که در دوران پادشاه مغفور و به فرمان او در سلک پردگیان درآمد و از بانوان حرم محترم و محرمان معظم بوده است (صص ۵۶-۵۷). نویسنده با اشاره به تولد او در ۱۲۰۳ در شهر تهران به تربیت او بدون ذکر جزئیات، تا رسیدن سنش به یازده سالگی می‌پردازد و آنگاه مأمور شدن شاهزاده به بلده‌ی سمنان در ۱۲۱۴ ق را شرح می‌دهد که چگونه محمودولی میرزا در آنجا به مدت شش سال به «عیش و کامرانی و تحصیل علوم متداوله‌ی رسمی اشتغال و مراسم فرهنگ و دانش و مراتب طریقه‌دانی و بینش آداب سواری و تیراندازی و مدارج شمشیرورزی و شکارافکنی و اسب تازی مشغول و به رتبه‌ی کمال رسانیده» (ص ۵۸) تا جایی که در علم و دانش «افلاطون را طفل دبستان خود می‌شمرد» (ص ۵۹) و «لوازم مبارزات و شجاعت رستم و اسفندیار را به نظر نمی‌آورد.» (همانجا) که حکایت از بزرگنمایی و غلو بیش از اندازه‌ی نویسنده دارد که شیوه‌ی رایج اوست در سرتاسر کتاب. این بخش را نویسنده در کمتر از ده صفحه با شرح نکاتی نه چندان مهم به پایان برده تا به رفتن محمودولی میرزا به خراسان رسیده و در حقیقت از همین بخش مطالب اصلی کتاب که در روی جلد نیز به همین دوره از ۱۲۱۸-۱۲۳۱ اشاره شده است آغاز می‌شود. در همین بخش یکی از رویدادهای مهم آن دوران یعنی نافرمانی و شورش نادر میرزا که توسط محمودولی میرزا و سردارانش سرکوب شده و از بین می‌رود از نکات برجسته و مهم، اشرف التواریخ است. رویدادی که به تفصیل و با ذکر جزئیات - از زمان تهیه و تدارک نبرد تا به سیاست رساندن نادر میرزا - نویسنده به آن پرداخته و همین نیز یکی از ویژگی‌های کتاب اوست که اعتبار ویژه‌ی آن به کتاب او می‌دهد چه وقتی به منابع و مأخذ معتبر دوره‌ی قاجاریه مانند ناسخ‌التواریخ مراجعه و در این زمینه با اشاره‌ی اندک و بسیار ناچیزی روبرو می‌شویم، اهمیت اشرف التواریخ در بازگویی این رویداد می‌تواند پژوهشگران را یاری رساند.

آنگاه سرکوب دیگر گردنکشان و مدعیان مانند: نقدعلی خان زعفرانلو، مصطفی قلی خان درترشیز، ترکمانان تکه در ایبورد و دره جزا درگز/ بیگلر آقای چپشلو و... از دیگر رویدادهایی است که نویسنده به شرح آن‌ها اهتمام ورزیده است.

بیان رویدادهایی مانند آغاز جنگ‌های ایران و روس که عباس میرزا مأمور رویارویی با روسیان می‌شود - البته نه به تفصیل - رویدادهای پیرامون درگیری با افغان‌ها، «گزارش احوال سلاطین ترکستان بر سبیل اختصار و اجمال و متابعت و مطاوعت امیر ناصرالدین توره‌جان» سرانجام کار ابراهیم خان درانی (صص ۱۷۲-۲۱۸)، از دیگر نوشته‌های کتاب است که با در نظر گرفتن، فشرده بودن آن به نوعی بی‌علاقگی در نویسنده به شرح و بیان این دست رویدادها پی می‌بریم که او خود به آن چنین اشاره کرده است:

«هرچند وقایع ملوک و شهزادگان هندوستان و ترکستان مناسب مقام و لایق نگارش این تاریخ همایون فرجام نیست و مقصود کلی شرح احوال فرخنده فال نواب کامیاب مالک رقاب شهزاده بی‌همال است، ولیکن بنا بر ترداف کلام و معاصر بودن آنها به این دولت ابدارتسام شمه‌ای از وقایع ایشان را درین صفحه شرف نگارش می‌دهد (صص ۱۸۹-۱۹۰)

اشرف التواریخ را می‌توان به عنوان یکی از منابع و
 مأخذ درخور توجه اوایل دوره قاجاریه دانست. به ویژه
 با توجه ویژه‌ای که نویسنده‌ی آن به رویدادهای خراسان
 و سرزمین‌های مجاور آن مانند مرو، هرات، غوریان،
 ماوراءالنهر و... در آن روزگار داشته است

اشرف التواریخ

و مأخذ آن دوران است و چنین است اطلاعات و آگاهی‌هایی که درباره‌ی شرح حال شاهزادگان افغان و درگیری‌های خوانین ازبک با حکام ایرانی نوشته است، مهم و درخور توجه بسیاری است و کمتر منبعی را می‌توان سراغ داشت که در این باره آگاهی‌هایی به این اندازه داشته باشد.

از دیگر وقایعی که مفصل‌تر از سایر منابع و مأخذ به آن توجه شده، جنگ محمولی میرزا با صوفی اسلام از بزرگان فرقه‌ی نقشبندیه - که در هرات و خراسان و ماوراءالنهر نفوذ داشتند - است که با تمام جزئیات آن در اشرف التواریخ ضبط شده است.

درگیری‌های فراوان امرای خراسان و محمولی میرزا با ترکمانان که همواره نواحی مرزی ایران را مورد غارت و چپاول قرار می‌دادند و نیز رویارویی با ایلات و عشایر شمال خراسان از بخش‌های مهم کتاب است که به تفصیل به آن‌ها پرداخته شده است.

همه‌ی آنچه که بدان اشاره شد و نیز پاره‌های نکات دیگر برارزش بسیار زیاد اشرف التواریخ به عنوان یکی از منابع دست اول اوایل دوره قاجاریه می‌افزاید و رجحان و برتری آن را نسبت به مأخذ دیگران دوره - دست کم در شرح برخی رویدادها - نشان می‌دهد. به ویژه وقتی در نظر بگیریم که مؤلف کتاب خود از نزدیک در بطن بسیاری از رویدادها حضوری فعال داشته و از نزدیک ناظر بر آن‌ها بوده است. مثلاً وقتی نادر میرزا را دستگیر کرده‌اند محمدتقی نوری برای بازپرسی به نزد او رفته که در این باره نوشته است:

« راقم حروف به جهت استفسار و استکشاف بعضی مدعاها به خدمت میرزا مبادرت نموده، سبب طول رفتن او از ارض اقدس الی چناران و میان ایل بزی که منتهایش شش هفت فرسخ بیشتر نبود، پرسیده در جواب گفت... گفتم: چرا مرتکب چنین امر شنیعی شده، دست به خون ذریه رسول خدا آلودی؟ گفت:... پرسیدم که غرض از آن بی‌ادبها که در حرم محترم امام همام کردی چه بود؟... » (صص ۱۲۳-۱۲۶).

شیوه‌ی تاریخ‌نگاری محمد تقی نوری در اشرف التواریخ که مفصل و باذکر جزئیات است می‌رساند که او صرفنظر از رویدادهایی که خود از نزدیک شاهد و ناظر آن‌ها بوده و همراه با اخباری که از طریق افراد و اشخاصی که در دربار حضور داشته‌اند، منابع مکتوبی نیز در اختیار داشته است و دست کم در دوجای کتاب خود به این منابع اشاره نموده است.

یک بار در بخشی که در مقدمه‌ی اثر خود از نسب و پیشینه‌ی قاجارها سخن به میان آورده و نوشته: «چنانچه در تاریخ عالم آرا مذکور است و...»

ذکر پاره‌ای رویدادهای نه چندان مهم که نویسنده آن‌ها را «بعضی از وقایع متنوعه که درین سال و غیره به ظهور رسیده و روداده» از جمله زمین خوردن اسب محمولی میرزا در شکارگاه و غلتیدن او بر روی زمین و «بیان بعضی از قضایای آسمانی» رویداده از دیگر مطالب کتاب است.

پس از آن رویدادهای سال ۱۳۱۹ ق شرح نبرد با ترکمانان تکه طژن [تجن؟] آغاز می‌شود و با سرکوب آنان و سپس انتظام امور آذربایجان و سفر به ایروان و تجاوز روس‌ها به گیلان و نبرد مردم دارالمرز با آنان، درخواست کمک «ایش محمدخان اوزبک»، ناآرامی‌های هرات، هجوم ایشپخدر [ایشپخدر] به باکو و شیروان و سرانجام کار او که کشته شد و سپس سر و دستش بریده به دربار فرستاده می‌شود و چند رویداد دیگر که اهمیت چندانی ندارد، شرح داده شده است.

در ادامه وقایع سال ۱۳۲۰ ق با ذکر مختصری از جشن نوروز آن سال و نیز خطبه‌ای که خوانده شده بیان گردیده، اغتشاش در ترشیز توسط مصطفی قلی خان، یورش بر ترکمانان تکه، ذکر پاره‌ای دیدارها، و وقایع ناحیه‌ی آذربایجان و درگیری با روس‌ها، مخالفت شیخ علی‌خان قبه‌ای، آمدن سپاه روم [ترکان عثمانی] به فرماندهی علی پاشا والی بغداد به سوی ایران و مقابله‌ی محمولی میرزا با آنان، شرحی درباره‌ی شاهزادگان افغان و درگیری‌های خوانین ازبک و شورش فرمانروایان ترکستان و شرحی از رویدادهای آن سامان دنبال شده است.

آنگاه وقایع سال ۱۳۲۱ پی گرفته شده در این سال باز هم آشوب‌های مرزهای اطراف و اکناف ایالت خراسان مانند: غوریان، هرات، اسفزار، تسخیر قلعه غوریان و تعدادی مخالفت‌های برخی از خوانین چون: اسماعیل خان عرب عامری، حاکم جندق شرح داده شده است.

ارزش اشرف التواریخ

اشرف التواریخ را می‌توان به عنوان یکی از منابع و مأخذ درخور توجه اوایل دوره قاجاریه دانست. به ویژه با توجه ویژه‌ای که نویسنده‌ی آن به رویدادهای خراسان و سرزمین‌های مجاور آن مانند مرو، هرات، غوریان، ماوراءالنهر و... در آن روزگار داشته و دقتی که در ضبط پاره‌ای از وقایع به خرج داده است اثر او را به عنوان مأخذی ارزشمند مطرح می‌سازد.

به ویژه همانگونه که پیشتر توضیح داده شد شرحی که او در ماجرای نادر میرزا در کتاب خود نوشته است، بسیار کامل‌تر و دقیق‌تر از دیگر منابع

ص ۱۴) و بار دیگر هم زمانی است که از اسم «احسن التواریخ» برای نام‌گذاری کتاب خویش الهام گرفته است. اما در دیگر بخش‌ها اشاره‌ای به نام دیگر مأخذی که احتمالاً در نگارش اثر خود از آن‌ها استفاده نموده است نامی نمی‌برد.

درباره‌ی سبک نگارش اثر نیز پیشتر گفته شد، ضمن اینکه نویسنده در جای جای اثر از اشعار شعرای نامی مانند فردوسی، سعدی، نظامی و خیام و... به همراه اشعاری از خود که آن‌ها را با اضافه کردن «لمؤلفه» مشخص نموده. اما شعر او شعری است متوسط و در بسیاری از اشعار او رد پای تقلید از شعرای نامی به روشنی دیده می‌شود. به ویژه در جاهایی که او کوشش نموده اشعاری حماسی بسراید، اشعارش صرفاً تقلیدی است از شاهنامه.

روش کار مصحح

بدون تردید هر اندازه که یک منبع تاریخی می‌تواند دارای آگاهی‌های دست اول و سودمندی باشد که راهگشای پژوهشگران در حل و گشودن گره‌ها و دشواری‌های دوره و یا دوره‌هایی از تاریخ کشورمان باشد، به همان اندازه نیز مصحح آن اثر در خوب شناساندن و افزودن بر ارزش و اهمیت آن اثر می‌تواند نقشی مؤثر و غیر قابل انکار داشته باشد.

مجهز بودن مصحح به ابزار و لوازم اصلی کار که در درجه‌ی اول داشتن آگاهی و شناخت درست او از روش کار تصحیح و به عبارت دیگر روشمند بودن کار او برابر با معیارها و موازین شناخته شده علمی و مورد پذیرش همگان است در کنار داشتن دانش گسترده، شناخت از دوره‌ای که اثر مربوط به آن است، آشنایی با منابع و مأخذ و تسلط بر زبان و ادبیات فارسی و عربی و داشتن معلومات عمومی و عوامل دیگری که می‌تواند به کار آید، می‌تواند نتیجه‌ی مطلوبی در کار به بار آورد.

چیزی که خوشبختانه در تصحیح اشرف التواریخ دیده می‌شود و پس از مرور کتاب خواننده درمی‌یابد که با یک تصحیح خوب روبرو است و مصحح اثر در مراحل کار تصحیح تلاش بسیار زیادی نموده تا کاری خوب، پسندیده و قابل قبول ارائه نماید.

انتخاب یک نسخه از میان چهار نسخه به عنوان نسخه‌ی اساس کار تصحیح، مقابله‌ی آن با سه نسخه‌ی دیگر، ضبط اختلاف نسخه‌ها در پای صفحه‌ها که پیداست به دقت انجام شده، مروری فشرده بر تاریخ قاجاریه و منابع آن عصر توسط مصحح، معرفی محمولی میرزا، معرفی کتاب جایگاه و ارزش آن در میان دیگر منابع مربوط به آن دوره، معرفی نسخه‌های مورد استفاده، شیوه‌ی نگارش و نوع بینش و روش مؤلف از نکاتی است که مصحح در ابتدای اثر به آن‌ها پرداخته و توضیحاتی درباره‌ی هر یک از آن‌ها داده است.

وجود نزدیک به ۲۰۰ مورد توضیحات در روشن نمودن بسیاری از ابهامات، شرح و معنی جمله‌های عربی به کاررفته در اثر مانند شماره‌های: ۱، ۲، ۳، ۴ و... اشاره به تناقضات موجود در متن و مقایسه‌ی بسیاری از تاریخ‌های نوشته شده برای رویدادها و مقایسه‌ی آن‌ها با دیگر منابع و مأخذ آن دوره تا دست‌یابی به درست‌ترین روایت، حکایت از دقت نظر و پای‌بندی

مصحح به ضوابط و موازین کار داشته که نخواستند از کنار کوچکترین ابهامی به سادگی بگذرد و از آن‌ها چشم‌پوشی نماید.

به عنوان مثال درباره‌ی تاریخ کشته شدن آقا محمدخان قاجار مصحح محترم نوشته‌ی مؤلف اشرف التواریخ در این باره را با شش مأخذ معتبر دیگر آن دوران مقایسه کرده و در یادداشت شماره‌ی ۳۵ آن‌ها را آورده است و بسیاری موارد دیگر که از اشاره به آن‌ها خودداری می‌کنیم.

استخراج فهرست‌های مختلف «فهرست اسامی اشخاص»، «فهرست اسامی اماکن»، «فهرست اقوام، قبایل، فرق» و «فهرست لغات و اصطلاحات دیوانی، نظامی و اجتماعی» به تفکیک و فهرست منابع و مأخذ - که در آن از نزدیک به ۷۰ اثر نام برده شده - و واژه‌نامه که در آن بسیاری از واژه‌های دشوار و غالباً مهجور عربی که در متن به کار برده شده معنی شده، از دیگر کارهای ارزنده‌ای است که مصحح اثر برای آسایش و راحتی کار خواننده آن‌ها را تهیه نموده است.

کتاب دارای اشکالات کوچکی نیز هست به‌ویژه در پاره‌ای از اشعار غلط وجود دارد و وزن آن‌ها مختل است که البته در مقایسه با تلاشی که مصحح برای ارائه‌ی کاری خوب نموده و انصافاً نیز به نیکی از عهده‌ی آن برآمده است، بی‌اهمیت و ناچیز است و ابدأ از ارزش و اهمیت کار او نمی‌کاهد.

اشرف التواریخ، همانگونه که از روی جلد آن پیداست و مصحح اثر در پیشگفتار هم به آن اشاره نموده که: «در نیمه دوم کتاب مؤلف پس از شرح احوال امرای خراسان و منطقه نفوذ آنها به بخش قابل توجهی می‌رسد که شرح حال امرا و بزرگان و مشاهیر اطراف محمولی میرزا است و برای رجال شناسی آن دوره اهمیت زیادی دارد.» (ص بیست و هفت)، مجلد یا مجلد‌های دیگری نیز خواهد داشت که در تصحیح و انتشار آن برای مصحح محترم اثر، پیروزی و موفقیت آرزو می‌کنیم.

منابع

- میرزا احمدخان عضدالدوله: تاریخ عضدی، با مقدمه و تصحیح: دکتر عبدالحسین نوایی، تهران ۱۳۷۶، نشر علم.
- بامداد، مهدی: شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۴، تهران ۱۳۷۶، چاپ چهارم، انتشارات زوار.
- میرزا محمدتقی لسان‌الملک سپهر: ناسخ التواریخ دوره‌ی کامل تاریخ قاجاریه، به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، تهران ۱۳۳۷، انتشارات امیرکبیر.
- علیقلی میرزا، اعتضاد السلطنه: اکسیرالتواریخ، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران ۱۳۷۰، انتشارات ویسمن.

پی‌نوشت:

۱. لقبی است که مردم عامی به پاول دمتریویچ تیتسیانوف ژنرال روسی ۱۷۵۴-۱۸۰۶، داده بودند در زمان فتح‌علی شاه قاجار دولت روسیه او را حکمران قفقاز نمود. همان است که در سال ۱۸۰۴ گنجه را تصرف و جواد خان گنجه‌ای را پس از پایمردی و ایستادگی او و یارانش به قتل رساند. ظاهراً اشیخدر تحریفی است از کلمه‌ی اینسپکتور به معنی بازرس و مفتش.